



طرح مرکز پژوهش‌های مجلس برای تغییر قانون مطبوعات

معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - مهر ۱۳۷۷

اشاره

بحث‌های اخیر پیرامون اصلاح قانون مطبوعات، بیشتر مولود دورنمای نه چندان روشنی است که طرح مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای آینده فعالیت‌های مطبوعاتی ترسیم می‌کند. این طرح علی‌رغم آنکه در مقدمات مواردی از نقاط ضعف قانون فعلی مطبوعات را برشمرد که مورد تأیید اکثر روزنامه‌نگاران نیز هست، اما در انتها با ارائه ماده واحده پیشنهادی، کار را به آنجا رسانده که روزنامه‌نگاران ترجیح می‌دهند قانون فعلی مطبوعات به هیچ وجه دستخوش اصلاح نشود. آنچه در ادامه آمده است، متن کامل طرح مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است.

۱. ابهامات

۱. مقدمه

لایحه قانونی مطبوعات پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب به تصویب رسید، به دلیل تحولات اجتماعی و در جهت تشکیل و اصلاح آن قانون در سال ۱۳۶۴ قانون مطبوعات و آئین‌نامه اجرایی آن در جلسه ۱۳۶۵/۱۱/۸ هیأت وزیران به تصویب رسید. متأسفانه در عمل انتیبات شد که این قانون نیز از شفافیت و دقت و جامعیت کاملی برخوردار نیست، از جمله خلاءهای موجود، مقررات قانونی مربوط به انتخابات و اختیارات هیأت منصفه بود که باید مجدداً به قانون سال ۱۳۵۸ (مواد ۲۰ تا ۲۹) مراجعه نمود. در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی طرح مطبوعات در ۶۰ ماده تقدیم شد که در نهایت به دلیل عدم کفایت قانونی رد شد. با توجه به تحولات اخیر در جامعه مطبوعات و حضور جدی مطبوعات و استفاده از آزادی بیان و قلم، مشکلات و ابهامات قانون مطبوعات بیش از پیش معلوم گردید، که لزوم بازنگری در قانون

مطبوعات را توجیه می‌کند. در این گزارش به نحو اجمالی به برخی عناوین و سرفصل‌های ابهامات و مشکلات قانون مطبوعات اشاره شده است.

۲. وجود ابهام در قانون حاکم

قانون مطبوعات موجود در سال ۱۳۶۴ به تصویب رسید و به تأیید شورای نگهبان رسیده است، در ماده ۲۶ این قانون مقرر شده که از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر ملغی است، آیین‌نامه اجرایی نیز براساس ماده ۲۵ باید ظرف مدت ۶ ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد. زمانی که به آیین‌نامه مراجعه می‌شود نواقص بسیاری در آن وجود دارد، در عین حال قانون فعلی نیز نواقص بسیاری دارد از جمله اگرچه در ماده ۲۴ به هیأت منصفه اشاره شده ولی تکلیف انتخاب و حدود اختیارات و شیوه عملی هیأت منصفه به هیچ وجه روشن نیست، به همین جهت لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ باید کماکان در برخی موارد اعتبار داشته

■ جرایم می‌تواند به دو دسته عمومی و مطبوعاتی تقسیم شود. لزوماً تمامی جرایمی که توسط مطبوعات رخ می‌دهد نباید به عنوان جرم مطبوعاتی تلقی شود.

■ مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد کرده است که موارد زیر از حوزه جرایم مطبوعاتی خارج شود:

فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورهای محرمانه، مذاکرات غیرعلنی مجلس و محاکم غیرعلنی دادگستری؛ تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت؛ ایجاد اختلاف مابین اқشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسایل نژادی و قومی؛ نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی.

باشد. به همین دلیل است که هم‌اکنون نیز در خصوص هیأت منصفه به قانون سال ۱۳۵۸ عمل می‌شود.

براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی برعهده هیأت منصفه است، مع‌ذک در این اصل مقرر شده که نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیأت منصفه را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند، در حالی که از این حیث نقض وجود دارد. همچنین براساس قانون مصوب ۱۳۶۰ ناظر بر قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و... لایحه تشکیل هیأت منصفه باید توسط دولت تقدیم مجلس می‌گشت که متأسفانه تاکنون چنین اقدامی به عمل نیامده است. در هرحال وضعیت قانون فعلی از حیث مواد معتبر لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۵۸ روشنی چندانی ندارد.

۳. فقدان شفافیت در قانون

قانون فعلی در بسیاری موارد دارای ابهام و فقد شفافیت است که استفاده‌کنندگان از قانون را با اشکال روبه‌رو می‌سازد، برای این منظور لازم است ضمن دسته‌بندی مواد، حدود اختیارات و شرح وظایف و جرایم و ضمانت‌های اجرایی آن و سایر موارد به دقت تعیین و شفاف شود. از جمله این موارد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

— حدود اختیارات هیأت نظارت.
— حدود اختیارات هیأت منصفه.
— مفهوم جرم مطبوعاتی و

صلاحیت متقاضی و مدیرمسئول و رسیدگی به تخلفات نشریات تا لغو پروانه را در اختیار دارد. در خصوص مسأله هیأت نظارت، مشکلات زیادی وجود دارد که اجمالاً به آن اشاره می‌شود:

الف. هیأت نظارت دارای ابتکار عمل عمده‌ای است که در آن حقوق مردم و آزادی مطبوعات مطرح می‌شود. عدم صدور مجوز یا لغو امتیاز تعرض مستقیم به این حقوق و آزادی‌ها و در نتیجه فقدان آزادی مطبوعات خواهد بود که این امر خلاف قانون اساسی است. در جهت حفظ حقوق مردم ضروری است اختیارات هیأت نظارت به طور دقیق تعیین شود و عنداللزوم مرجعی برای اعتراض به تصمیمات آنها تعیین شود.

ب. هیأت نظارت باید مستقل و حتی‌الامکان عساری از اعضای تصمیم‌گیرنده دولتی باشد، این امر می‌تواند حقوق مطبوعات را بهتر حفظ کند. البته این بدان معنی نیست که ترکیب هیأت به گونه‌ای باشد که امکان نظارت دولت بر مطبوعات فراهم نباشد.

ترکیب اعضای هیأت در ماده ۱۰ یعنی، یکی از قضات دیوان عالی کشور، وزیر ارشاد اسلامی یا نماینده وی، یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی عمدتاً بیانگر ترکیب دولتی هیأت است. در حالی که ترکیب کمیسیون صدور مجوز در ماده ۴ لایحه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ ترکیب مناسب‌تری بوده که عبارت بوده‌اند از:

۱. نماینده‌ای از ناشران مطبوعات؛
۲. نماینده نویسندگان مطبوعات؛
۳. یکی از مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس دیوان؛
۴. یکی از اساتید دانشگاه تهران به انتخاب رئیس دانشگاه؛
۵. یکی از اساتید حوزه علمیه قم به معرفی هیأت مدرسان؛
۶. یکی از وکلای دادگستری به انتخاب کانون وکلا؛
۷. معاون یا مدیرکل مطبوعاتی

وزارت ارشاد به عنوان دبیر کمیسیون بدون داشتن حق رأی.

در هرحال به نظر می‌رسد ضمن مشارکت بیشتر اعضای غیردولتی در هیأت، ترکیب هیأت می‌تواند اصلاح شود. به علاوه چون در ماده ۱۰ مقرر شده که اعضای هیأت باید از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و

مجازات‌ها.

— تفکیک وظایف و اختیارات صاحب امتیاز و مدیرمسئول که در قانون وجود ندارد.

۴. رسالت و حدود مطبوعات

در قانون مطبوعات در دو بخش به رسالت و حدود مطبوعات پرداخته شده است، بدیهی است که اگر تکالیفی برای مطبوعات در نظر گرفته می‌شود باید ضمانت اجرایی نیز برای آن مقرر شود. اگرچه در موارد پراکنده قانون مطبوعات در مواردی به ضمانت اجرای نقش موارد فوق اشاره شده مع‌ذک این حدود و رسالت در همه آنها دارای ضمانت اجرا نیست. مضافاً برآن پراکنده‌گی مواد برای افراد ایجاد اشکال می‌نماید، مگر این بخش از قانون مطبوعات به عنوان یک توصیه کلی برای هدایت مطبوعات در جامعه اسلامی تلقی شود که در این حالت می‌توان شیوه نگارش مواد را تغییر داد. شاید همین امر سبب بروز مشکلات فعلی در سطح جامعه شده است که درک صحیحی از آزادی مطبوعات وجود ندارد و هیچ‌گونه حدودی برای آن تعیین نشده است، به علاوه در بسیاری موارد حدود و ثغور و ضابطه‌ای برای تعیین تکالیف مطبوعات در نظر گرفته نشده است.

۵. هیأت نظارت بر مطبوعات

هیأت نظارت بر مطبوعات در این قانون از اهمیت به سزایی برخوردار است. و از رسیدگی به درخواست متقاضی در خصوص صدور پروانه و تشخیص

مؤمن به انقلاب اسلامی باشند مرجعی برای تعیین صلاحیت‌های فوق به ویژه برای اعضای غیردولتی در نظر گرفته شود.

ج: ارتباط هیأت نظارت و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی چندان روشن نیست، زیرا ابتکار عمل در تشکیل هیأت برعهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است ولی براساس تبصره ۲ ماده ۱۰ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نظرات هیأت را اجرا می‌کند. مشخص نیست اولاً تصمیمات هیأت برای اجرا چیست؟ ثانیاً، اگر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از اجرای آن سرباز زد و مقابله نمود، تکلیف چیست زیرا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف به تبعیت نشده است.

د: اگر چه تصمیم‌گیری برای صدور پروانه در صلاحیت هیأت نظارت قرار دارد، مع‌ذلک تصمیم به لغو پروانه لزوماً جنبه قضایی دارد، به همین جهت براساس ماده ۱۲ هیأت نظارت در صورت احراز، متخلف می‌تواند تقاضای کتبی خود را به دادگاه صالح تقدیم دارد. بدیهی است که این امر پسندیده‌ای است که هیأت لغو پروانه را بدین علت که تخلفات به دلیل ماهیت امر که امری کاملاً قضایی و جزایی است و براساس اصل ۲۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن فقط از جانب دادگاه صالح و براساس قانون ممکن است در اختیار نداشته باشد. مع‌ذلک در این باره دو نکته ابهام وجود دارد:

اولاً، اگر دارنده پروانه صلاحیت خود را به دلیل حجر ورشکستگی یا سلب یا خروج از تابعیت ایران یا فساد اخلاق و... از دست دهد، آیا مرجع لغو پروانه دادگاه صالح است یا هیأت نظارت که خود این صلاحیت را احراز کرده است؟

ثانیاً، چنانچه رسیدگی به پرونده قضایی و شکایت هیأت تا صدور حکم نهایی به طول انجامد که در محاکم ما امری طبیعی است و اگر ادامه کار نشریه به زیان جامعه باشد باید تدبیری قانونی اندیشیده شود که یا دادستان یا رئیس دادگستری به تشخیص خود یا به درخواست ذی‌نفع یا هیأت، امکان توقیف موقت نشریه را داشته باشد یا هیأت به سرعت تشکیل جلسه دهد و یکی از قضات دیوان عالی که عضو هیأت است و دارای سمت قضایی، می‌باشد به عنوان نماینده قضایی اختیار صدور قرار توقیف را داشته باشد.

ع جرایم و مجازات‌ها

اولاً، جرایمی که در قانون مطبوعات تعیین شده دارای تعریف دقیق قانونی نیست و ضابطه‌ای برای آن تعریف نشده است و همین امر سبب می‌شود که در تشخیص آن به نوعی سلیقه افراد دخالت داده شود. از سوی دیگر برای تمام مواردی که از جانب مطبوعات ممنوعیت وجود دارد ضمانت اجرایی وجود ندارد. مثلاً اهانت، افترا، تهدید به هتک شرف، مواردی است که می‌توان مصادیقی برای آن ذکر نمود. به علاوه مواردی از جمله تحریص و تشویق افراد به ارتکاب اعمال علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج یا تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر و... مواردی است که فاقد ضمانت اجرایی جدی می‌باشد. براین اساس جهت تعیین حقوق و تکالیف مطبوعات ضروری است جرایم مطبوعاتی به دقت دسته‌بندی شده و تعریف گردیده و مصادیقی برای آن ذکر شود، همچنین مجازات‌ها برای تمامی تخلفات و جرایم مطبوعاتی به دقت تعیین شود.

ثانیاً پاسخ به یک سؤال در قانون مطبوعات باید جست‌وجو شود که آیا تمامی جرایمی که توسط مطبوعات صورت می‌گیرد جرم مطبوعاتی است و باید در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود یا برخی از این جرایم جزء جرایم عمومی است و لزومی برای رسیدگی توسط دادگاه با حضور هیأت منصفه وجود ندارد. مثالی قابل ذکر است: درج مطالب حاوی تهمت و افترا علیه افراد یا نسبت‌های توهین آمیز و... می‌تواند جرم مطبوعاتی تلقی شود ولی چنانچه نشریه‌ای اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه یا نقشه‌های جنگی را در زمان جنگ منتشر کند (ماده ۲۴) یا اگر مطالبی را صراحتاً در رد دین مبین اسلام و مقدسات آن نوشته و اهانت کند به گونه‌ای که مرتد محسوب شود (ماده ۲۶) آیا اینها می‌تواند جرایم مطبوعاتی تلقی شود و آیا اصولاً ضرورتی برای آن وجود دارد؟

بنابراین به نظر می‌رسد که جرایمی می‌تواند به دو دسته عمومی و مطبوعاتی تقسیم شود و لزوماً تمامی جرایمی که توسط مطبوعات رخ می‌دهد نباید به عنوان جرم مطبوعاتی تلقی شود و از این حیث باید قانون مطبوعات بازنگری شود.

۷. هیأت منصفه

براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی وجود هیأت منصفه‌ای ضروری است. اصولاً نگرش به هیأت منصفه در نظام‌های مختلف حقوقی متفاوت است مع‌ذلک به دلیل جنبه دوگانه جرایم مطبوعاتی که هم جرم است و هم از نظر سیاسی و اجتماعی اهمیت دارد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود هیأت منصفه را به عنوان یک «نهاده قضایی مردمی» پذیرفته است. اعضای هیأت منصفه که نماینده افکار عمومی و بیانگر داور می‌کنون در وجدان عمومی هستند، انتظارات عدالت‌خواهانه مردم را بیان کرده و برآن اساس در قضاوت مشارکت می‌کنند. بدین ترتیب استفاده از وجدان عموم و علایق مردمی که هیأت منصفه منتخب و میعوث آنهاست. حکم قضایی عادلانه و در عین حال مردم‌پسندی را به دنبال خواهد داشت.

در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ تنها در ماده ۲۴ به هیأت منصفه اشاره کرده است. ولی نحوه انتخاب و حدود اختیارات هیأت منصفه در موارد ۲۰ تا ۲۸ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ آمده است که ظاهراً هم‌اکنون نیز مورد عمل است. اگرچه اعضای هیأت منصفه باید از بین گروه‌های مختلف جامعه باشد که در ماده ۲۱ نیز اشاره شده، مع‌ذلک ابتکار تعیین اعضا با مقامات دولتی و حکومتی است. براساس ماده ۲۱ قانون فوق هیأتی با دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود که با حضور رئیس دادگاه‌های شهرستان و شهردار (فعلاً که انجمن شهر تشکیل نشده است) خواهد بود و در مراکز استانها به دعوت استاندار هیأتی مرکب از رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر و نماینده وزارت ارشاد تشکیل می‌شود. این سبب می‌شود که ابتکار عمل در انتخاب اعضای هیأت منصفه با مقامات دولتی و به ویژه وزارت ارشاد اسلامی می‌باشد، مناسب است مرجع انتخاب اعضای هیأت منصفه به گونه‌ای اصلاح شود. جهت سهولت در امر با عنایت به ماده ۲۱ که گروه‌های اجتماعی اعضای هیأت منصفه را تعیین کرده که از بین روحانیون، اساتید دانشگاه‌ها، پزشکان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران، آموزگاران، سردفتران، اصناف، پیشه‌وران، کارگران و کشاورزان می‌باشند.

اولاً، به لحاظ مشارکت سایر گروه‌های اجتماعی می‌توان تعداد اعضای هیأت منصفه را به ۱۸ نفر (۹ نفر اصلی و ۹ نفر علی‌البدل) افزایش داد.

ثانیاً، مرجعی تعیین شود تا از بین افراد واجد صلاحیت که مسلمان، امین و دارای حسن شهرت باشند کاندیداهای واجد صلاحیت تعیین شوند.

ثالثاً، مرجع تعیین اعضای هیأت منصفه به خود گروه‌های صنفی واگذار شود و هیأت با دعوت وزارت ارشاد هرسال یک بار انتخاب و تشکیل شود. اعضا و شیوه انتخاب می‌تواند به شرح زیر باشد:

– نماینده خبرنگاران به انتخاب انجمن خبرنگاران استان؛

– نماینده صاحبان امتیاز نشریات به انتخاب مجمع صاحبان امتیاز نشریات استان.

■ برای تعیین حقوق و تکالیف

مطبوعات، ضروری است جرایم

مطبوعاتی به دقت دسته‌بندی

شده و تعریف گردد و مصادیقی

برای آن ذکر شود.

■ باید به دقت، مجازات‌هایی برای

تمامی تخلفات و جرایم

مطبوعاتی تعیین شود.

– نماینده روحانیون به معرفی مدیریت حوزه علمیه قم یا جامعه مدرسین حوزه.

– نماینده دانشگامیان که ترجیحاً از بین اساتید حقوق باشند به انتخاب اعضای هیأت علمی.

– نماینده فرهنگیان با معرفی جامعه اسلامی معلمان.

– نماینده اصناف به انتخاب اتاق اصناف استان.

– یکی از وکلای دادگستری با معرفی کانون وکلا.

– نماینده سردفتران با معرفی کانون سردفتران یا به انتخاب سردفتران.

– نماینده کارگران به معرفی کانون انجمن‌های صنفی یا خانه‌کارگر.

برای سایر افراد نیز نظیر پیشه‌وران، کارگران و از بین کشاورزان و... کشاورز نمونه یا کارگر نمونه و... یا مجامع

صنفی آنها یا نویسندگان، روزنامه‌نگاران، پزشکان و... نیز با معرفی صنف‌های مربوط یا انتخاب خود آنها می‌توان نمایندگان‌شان را انتخاب کرد.

نتیجه:

قانون کنونی مطبوعات هم به لحاظ تعاریف و هم به لحاظ جامعیت، واجد کاستی‌ها و نقصان فراوانی است و لازم است به صورت اصولی مورد اصلاح و بازنگری واقع گردد. مرکز پژوهش‌ها آمادگی دارد در این خصوص همکاری‌های لازم را بنماید.

۲. پیش‌نویس یک طرح موقتی

از آنجا که نقایص قانون مطبوعات در مقطع کنونی چهره خود را بیشتر آشکار نموده به گونه‌ای که تهدیدات امنیت ملی با استفاده از حریم مطبوعات و راهکارهای مربوط به جرایم مطبوعاتی، هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند و ظاهراً قانون کنونی جوابگوی راه‌حلی که هم متضمن آزادی مطبوعاتی و هم متضمن حفظ امنیت ملی باشد، نیست. لهذا حسب درخواست شماری از نمایندگان محترم، پیش‌نویس حاضر ارائه می‌گردد.

۱. مقدمه توجیهی

آزادی، حاصل بنیادین انقلاب اسلامی است که برای مردم در حکومت اسلامی به ارمغان آمده است. حدود آزادی در نظام ما به واسطه مبانی اسلام و حقوق عمومی مردم که متکی بر مصالح عمومی است تعیین می‌شود. در این فضای آزاد، ثمره خون شهدای انقلاب اسلامی و تلاش‌های عمومی مردم است. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ در جهت تعیین حقوق و تکالیف مطبوعات و دفاع از حریم آزادی‌های مشروع به تصویب رسید. با توجه به تجربه ۱۲ ساله اجرای این قانون در کشور، در مرحله کنونی به منظور پاس‌داشت آزادی و ارزش‌های مقدس انقلاب اسلامی و جهت بهبود و اصلاح فعالیت مطبوعات در کشور، اعمال اصلاحاتی در این قانون ضروری می‌نماید. علاوه بر آن اگر چه در اصل ۱۶۸ مقرر شده که به جرایم مطبوعاتی در محاکم عمومی دادگستری با حضور هیأت منصفه رسیدگی خواهد شد، مع‌ذک هیچ‌گونه تعریفی از جرم مطبوعاتی در قوانین ما به چشم نمی‌خورد، همین‌ا

سبب شده که یک اشکال عمده در قانون مطبوعات به چشم بخورد که بین جرایم عمومی و جرایم مطبوعاتی، هیچ‌گونه مرزی وجود ندارد و حال آن که در بسیاری موارد تخلفات مرتکبه از سوی مطبوعات در زمره جرایم عمومی و حتی موارد خلاف امنیت ملی و مصالح عمومی است. به‌نظر می‌رسد که ضروری است تفکیکی بین جرایم مطبوعاتی و عمومی به عمل آید و در نهایت تعریفی از جرم مطبوعاتی ارائه شود.

صرف‌نظر از این که تجربه طولانی اجرای قانون مطبوعات، تمامی زوایای قانون را نشان داده و اشکالات موجود، لزوم بازنگری اساسی و اصلاح کلی قانون مطبوعات را ایجاب می‌کند، مع‌ذک در کوتاه‌مدت جهت اصلاح وضعیت موجود قانون مطبوعات و ایجاد تمایز بین جرایم عمومی و مطبوعاتی و روشن ساختن وضعیت برای مطبوعات و حفظ امنیت ملی و مصالح کشور ماده واحده‌ای به شرح زیر جهت اصلاح قانون مطبوعات پیشنهاد می‌شود.

۲. پیش‌نویس طرح اصلاح قانون مطبوعات

ماده واحده: جرایم ذیل به عنوان جرایم عمومی محسوب و در مراجع صالح قضایی مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت، مجازات این جرایم همان مجازات مقرر در قوانین مربوطه و قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

۱. قاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح، نقشه‌ها و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی و اداری بدون مجوز قانونی.

۲. تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران.

۳. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه و به ویژه از طریق طرح مسایل نژادی و قومی.

۴. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

تبصره: کلیه قوانین مغایر این ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون ملغی می‌باشد. □